

استقلال قاضي از منظر فقه و قانون

هجدهمین نشست علمي و تخصصي با عنوان «استقلال قاضي در فقه و حقوق» با حضور استادان فقه و حقوق به همت مركز فقهی ائمه اطهار(ع) و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، برگزار شد.



هجدهمین نشست علمي و تخصصي با عنوان «استقلال قاضي در فقه و حقوق» با حضور استادان فقه و حقوق به همت مركز فقهی ائمه اطهار(ع) و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، برگزار شد.

به گزارش شبکه اجتهاد، این نشست، حجت الاسلام والمسلمین سروش محلاتي با ذکر این مطلب که استقلال قاضي، بحث جديدي در مباحث حقوقي به ویژه اسلامي است گفت؛ این که قاضي در امر قضاوت از توصیه دیگران، فشار و نظر دیگران مصونیت و استقلال داشته باشد؛ مورد توافق همگان است.

وي افزود: در این جا دو مینا وجود دارد، نخست آنکه قضاوت از نوع ولایت باشد و اساساً هر کسی که ولي باشد، داراي استقلال است و مبنای آن قضاوت براي رسیدن به عدالت است و هر ابزاری که بتواند این عدالت را به بهترین شکل اعاده کند باید در دسترس قاضي باشد؛ استقلال قاضي مقوله اي لازم در امر قضاوت است اما باید توجه داشت که این استقلال معاني و تعابیر مختلفی دارد که در فقه و حقوق متداول، داراي تفاوت ها و آثار مختلفی است.

این استاد حوزه اظهارداشت: اگر مبنای اول يعني «استقلال قاضي» را بپذیریم، هر نوع دخالتی در کار قاضي ممنوع است و اگر مبنای دوم را ملاک قرار دهیم، بعضی از دخالت ها که موجب رسیدن به عدالت می شود، مجاز شمرده می شود؛ به عنوان مثال هیات منصفه در جرم های سیاسی به نحوی در صدور رای دخالت می کند و هدف آن، تلاش در جهت رسیدن به عدالت و جلوگیری از جو يك طرفه علیه متهم است.

وي گفت: در بحث «استقلال قاضي» مسایل بسیار زیادی از سوي فقها مورد توجه قرار می گیرد؛ یکی از آن مسایل این است که استقلال قاضي در برابر چه کسی مفروض می شود؟ آیا قاضي در برابر کسی که او را نصب کرده استقلال دارد یا خیر؛ در زمان تدوین قانون اساسي در سال 1358 این بحث بین دو تن از فقها به وجود آمد که یکی از آنها بر عدم استقلال حکم قاضي در برابر ولي امر، نظر داشت و دیگری بر این نظر تاکید می کردند که علي رغم انتصاب قاضي از سوي ولي امر، قاضي در صدور حکم کاملاً مستقل است.

سوال بعدي این است که آیا می توان سازوکاری براي استقلال قضایی در کشور وضع کرد؟ یا اینکه باید این امر به حاکم اسلامي، محول شود؛ در همان زمان بین دو فقیه بحث دیگری بود مبنی بر اینکه یکی از آن دو اعتقاد داشتند سازوکار استقلال قضایی به ولي امر واگذار شود و فقیه دیگر نیز بر ایجاد سازوکار توسط فقها و حقوق دانان نخبه کشور تاکید می کرد.

در ادامه این نشست، دکتر مهرپور با ذکر این مطلب که بحث استقلال قاضي در راستای استقلال قوه قضاییه است، اظهارداشت: استقلال در دادرسی عادلانه، بر استقلال در نحوه استنباط، صدور و ابلاغ حکم استوار است که همچون وحدت در رویه قضایی از جمله اصول حقوقي به شمار می رود؛ عهد نامه امام علي(ع) به مالک اشتر در خصوص به کار گیری قضات عادل، استوار، منطقی، قاطع و... از جمله اسنادي است که می توانیم در زمینه پیشینه استقلال در قضاوت در اسلام مطرح کنیم ولي استقلال و آزادی قاضي باید در محدوده قانون عنوان شود.

وي گفت: یکی از راهکارهای افزایش استقلال قضاوت، تلاش در جهت ایجاد امنیت فکري و شغلي براي قاضي از جمله ایجاد مقرري مالي مناسب و امنیت شغلي براي وي است؛ در قانون اساسي جمهوری اسلامي ایران نیز به صراحت از استقلال قوه قضاییه سخن به میان آمده است؛ یکی از راهکارهای قانون براي استقلال قضات، ممنوعیت حضور آنان در احزاب سیاسی است؛ در اصل 164 قانون اساسي جمهوری اسلامي ایران در خصوص ایجاد فضای مناسب شغلي براي قاضي آمده است که «نمی توان قاضي را از مقامی که در آن شاغل است بدون تخلف و ثبوت جرم به طور موقت و ثابت از کار منفصل کرد مگر اینکه جرم او ثابت شده و یا به صلاح مردم و مملکت باشد و از سوي اعضای شورای عالی قضایی کشور به تصویب برسد»؛ در سال 1376 قانوني براي نظارت بر صلاحیت قضات تصویب شد.

دکتر محمد حسن ضیایی فر، در ادامه این نشست با مطرح کردن هفت سوال پیرامون وضعیت پیگیری استقلال قاضي در ایران و جهان اظهارداشت: در زمینه پژوهش های مربوط به استقلال قاضي در کشور، حدود 50 اثر را مشاهده کردم که بسیاری از آنها کپی برداری از آثار یکدیگر بود و می توان گفت در این زمینه با آثاری که در جهان منتشر شده است، فاصله فراوانی داریم؛ این بحث داراي زمینه فعالیت بسیار زیادی در مباحث فقهی است که حوزویان می توانند آثار فخری را در این زمینه به نگارش درآورند؛ هزاران صفحه و ده ها مقاله و کتاب علمي در زمینه استقلال قاضي و دستگاه قضایی در آثار دانشمندان خارجی به چشم می خورد که بسیاری از آنها

از حقوق دانان کشورهای جهان سوم هستند.

دبیر کمیسیون حقوق بشر اسلامی با بیان این مطلب که جهان، این حق را مفروض دانسته است که برای دستگاه قضایی از هر حیث دارای استقلال باشد، خاطرنشان کرد: در میثاق حقوقی مدنی سیاسی، این امر به صراحت ذکر شده است؛ یکی از آثار استقلال قضایی، تضمین استقلال نظامی قضایی است؛ عدم تبعیض در زمان اعطای حق قضاوت و آزادی بیان برای انجمن های حرفه ای قضاات از دیگر آثاری است که در استقلال قضاات، نقش آفرین است؛ برخی کشورها به همین علت قوانین اساسی خود را اصلاح کرده اند؛ هم اینک گزارشگران حقوقی سالی دو مرتبه گزارشی از استقلال قضایی کشورهای مختلف را به مجمع عمومی سازمان ملل متحد ارسال می کنند و در گزارش های کمیته های حقوق بشر نیز، استقلال حقوقی کشورها مورد ارزیابی قرار می گیرد.

وی ابراز داشت: کشورهای اسلامی هیچ نوع سندی را در این راستا تدوین نکرده اند و فقط کنفرانس شورای کشورهای اسلامی در سال 1987 به نوعی این اصل را پذیرفتند ولی در عمل، هیچ مصوبه اجرایی که منجر به عمل حقوقی شود، صادر نشده است؛ در اعلامیه حقوق بشر اسلامی، به دادرسی عادلانه اشاره شده است و در دو کنفرانس روسای قوه قضاییه کشورهای اسلامی که در ایران برگزار شد، قرار شد دبیرخانه دائمی در همین راستا تشکیل شود که تا کنون مجال این امر پیدا نشده است.